

در زمینه بهره‌گیری منابع غنی گاز کشور استراتژی مدونی وجود ندارد

## هر سه هدف

با وجود پیگیری طرح‌های صادرات گاز در سه بخش خط لوله، گاز طبیعی مایع شده (LNG) و جی. تی. ال از سوی وزارت نفت، گروه‌هایی از کارشناسان و مقامات مسئول معتقدند کشور، گزینه‌های بهتری برای بهره‌گیری از ذخایر گاز خود دارد. به اعتقاد این گروه استفاده از گاز در بخش جایگزینی مصرف داخلی و تزریق به مخازن نفتی ارزش افزوده بیشتری برای اقتصاد ملی به همراه دارد. این در حالی است که آخرین عکس‌العمل مقامات هندی در قبال امکان عدم صادرات گاز ایران به این کشور دریافت ضمانت ۵۰ میلیون دلاری عنوان شده است.

آقای حمید اسدی، کارشناس اقتصادی ضمن بررسی دیدگاه‌های مزبور معتقد است؛ امکان تلفیق همه برنامه‌های اشاره شده و اجرای موازی آنها در صنعت گاز ایران وجود دارد.

می‌کند که می‌توان مجدداً از آن استفاده کرد. در همین راستا بزرگ‌ترین پروژه استخراج گاز از میدان گاز پارس جنوبی برای تزریق به یکی از میادین نفتی قدیمی کشور اختصاص پیدا کرده است. بر اساس این پروژه، گاز حاصل از توسعه فازهای ۷، ۶ و ۸ پارس جنوبی باید پس از استخراج و تصفیه برای تزریق به میدان نفتی آغاچاری ارسال شود. پروژه مذکور به جهت اهمیت فوق‌العاده آن احداث شبکه پنجم سراسری انتقال گاز ایران (IGAT5) را موجب شده و قرار است روزانه ۷۵ میلیون متر مکعب گاز را از منطقه عسلویه در بوشهر به آغاچاری انتقال دهد.

### استراتژی گاز

در سوی دیگر صحنه، طرفداران سرسخت صادرات گاز

به صادرات این حامل انرژی ندارد. به باور اینان بازار جهانی گاز، متناسب با نیازها و خواست تولیدکنندگان نیست. ضمن اینکه برخی از تولیدکنندگان سنتی هم به راحتی اجازه ورود بازیگران جدید را به میدان نمی‌دهند. مخالفان صادرات گاز استدلال می‌کنند که معادل درآمدی که از صادرات گاز به دست می‌آید را می‌توان از مصرف داخلی آن بدست آورد. حتی برخی از صاحب‌نظران نگران آن هستند که در صورت رونق صادرات گاز طبیعی در مصرف داخلی با مشکل و کمبود مواجه شویم.

از سوی دیگر برخی از چهره‌ها و محافل دانشگاهی ضرورت تزریق گاز به میادین نفتی را گوشزد کرده و تاکید می‌کنند که باید با حداکثر توان، ضریب برداشت میادین نفتی را افزایش دهیم و این امر میسر نخواهد بود مگر با تزریق گسترده گاز به میادین نفتی کشور، این کار علاوه بر آن که ضریب برداشت نفت از مخزن کشور را افزایش داده و موجب اضافه شدن میلیاردها دلار به درآمد نفتی کشور می‌شود، گاز کشور را نیز در مخازن داخلی حفظ

صنعت کهنسال نفت ایران همانند یکصد سال گذشته به حرکت آهسته خود ادامه می‌دهد. گرچه مهندسی و کارشناسان ایرانی در بسیاری از بخش‌های استخراج و پالایش نفت به مهارت‌های قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کرده‌اند؛ اما هنوز برای اکتشاف و برداشت ذخایر نفتی خودمان دست به دامن خارجی‌ها می‌شویم. قطعاً هر مخاطبی که کمترین اطلاعاتی از پیشینه صنعت نفت در ایران داشته باشد، با ما هم عقیده خواهد شد که انتظار بومی شدن طرح‌های کلان در بخش بالادستی و پائین دستی صنعتی که بیش از یکصدسال از روشن شدن نخستین مشعل آن می‌گذرد، انتظار زیادی نیست.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که حق نفت آنگونه که باید، ادا نشد. برداشت‌های غیرصیانتی از میادین نفتی در طول یک قرن گذشته لطمه جبران ناپذیری به این میادین وارد ساخته و بسیاری از چاه‌های نفت را با انبوه ذخایر موجود در آن برای همیشه عقیم کرده است. در حال حاضر متوسط ضریب برداشت از میادین نفتی کشور به زحمت به ۲۵ درصد می‌رسد و این بدان معناست که از ۵۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت در جای کشف شده کشور، تنها اندکی بیشتر از ۱۲۰ میلیارد بشکه آن قابل استحصال بوده و مابقی در دل زمین مدفون باقی می‌ماند.

اما با اندکی تسامح می‌توان گفت که ذخایر گاز کشور هنوز دست نخورده باقی مانده است. با این وجود تجربه ناخوشایند نفت، بسیاری از محافل را بر آن برداشته تا با دیده تردید به آینده گاز کشور بنگرند. گروهی از تصمیم‌سازان بر این عقیده‌اند که ذخایر گاز کشور باید صرفاً به مصرف داخلی برسد و کشور نیازی

## کشور هم نیازمند مصرف داخلی گاز است و هم صادرات آن. در کنار این دو، تزریق گاز به مبادین نفتی هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سه هدف باید به موازات یکدیگر پیگیری شود. ذخایر غنی گاز کشور نیز فرصتی استثنایی را فراهم می‌کند تا بتوان همزمان هر سه هدف را پیگیری نمود

گازی تا ۷۹ سال دیگر گازی برای تولید نخواهد داشت. بدیهی است که با افزایش تولید گاز در کشور و بهره‌برداری از فازهای جدید پارس جنوبی نرخ ذخایر به تولید کشور تغییر خواهد یافت به طوری که مثلاً در صورت دوبرابر شدن تولید گاز در کشور طی سال‌های آینده عمر ذخایر گازی کشور نیز نصف خواهد شد. در همین حال مطالعه روند افزایش تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور حکایت از افزایش فوق‌العاده سهم گاز طبیعی در سبد انرژی کشور دارد. به طوری که تولید گاز طبیعی بر اساس آمار شرکت بریتیش پترولیوم از رقم ناچیز ۲۷/۱ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۳ به ۸۵/۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۴ بالغ شده است. اما نباید فراموش کرد بر خلاف آنچه تصور می‌شود، ذخایر کشف شده گاز طبیعی در کشور نیز در طول چند سال اخیر شاهد افزایش قابل ملاحظه‌ای بوده است. گزارش آماری سال ۲۰۰۳ شرکت "انی" نشان می‌دهد که ایران در سال ۲۰۰۳ صاحب ۲۶/۱ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی بود، حال آنکه در سال ۱۹۹۱ یعنی ۱۳ سال پیش ذخایر کشف شده گاز طبیعی ایران ۱۷ تریلیون مترمکعب بود.

از این رو به نظر می‌رسد که دغدغه تصمیم‌سازان انرژی کشور به جای آن که صرف اختلاف نظر و تردید در مورد نحوه استفاده از منابع گاز طبیعی کشور شود، باید معطوف به زمینه‌سازی برای افزایش تولید گاز طبیعی به منظور گسترش مصرف داخلی و حضور معنادار در بازارهای جهانی گاز باشد. از یک سو استفاده هرچه بیشتر از گاز طبیعی در داخل کشور باعث می‌شود تا بخش مهمی از تقاضای نفت و فرآورده‌های نفتی از جانب گاز طبیعی پاسخ داده شود و مجال بیشتری برای صادرات نفت باقی بماند (کما اینکه در ۱۵ سال اخیر شاهد چنین روندی بودیم) در عین حال به سبب استفاده روزافزون حرارتی و گرمایشی از گاز طبیعی، پالایشگاه‌های کشور این فرصت را یافته‌اند که با تغییر ترکیب محصولات خود از ظرفیت تولید محصولاتی همچون نفت سفید و نفت کوره کاسته و بر تولید فرآورده‌های با ضریب تقاضای بالا یعنی بنزین و گازوئیل بیافزایند. ضمن اینکه درصد آلاینده‌های گاز طبیعی بسیار کمتر از نفت خام و فرآورده‌های نفتی است.

از سوی دیگر، عطش جهانی برای استفاده از گاز طبیعی هر روز افزایش می‌یابد. گاز

نشسته‌اند که معتقدند بخش اعظم گاز تولیدی کشور همانند نفت باید صادر شود. حضور کم‌رنگ ایران در بازارهای جهانی گاز موجب گردیده تا ایران بسیاری از فرصت‌های مهم را از کف داده و به رقبای خود واگذار کند. طرفداران صادرات گاز بر این عقیده‌اند که اگر همین امروز به صورت جدی پای به بازار جهانی گاز نگذاریم، فردا دیگر نه تولید کنندگان و نه مصرف کنندگان جایی را برای حضور ما خالی نخواهند کرد. در حال حاضر کشور کوچک قطر که شریک ما در میدان گازی پارس جنوبی است به سرعت سرگرم عقد قراردادهای استخراج و صادرات گاز طبیعی بوده و به جهت موقعیت جغرافیایی خود، تکاپوی فراوانی را برای حضور گسترده در بازارهای گاز طبیعی مایع شده (ال. ان. جی.) آغاز نموده است که آخرین نمونه آن را می‌توان قرارداد ۵ میلیارد دلاری این کشور با شرکت رویال داچ-شل دانست.

وجود همین دونگرش متفاوت، مسئولین و تصمیم‌سازان کشور را نیز به اظهار نظرهای نامطمئن و بعضاً متناقض واداشته است. در حالی که یک مسئول صادرات را مهمترین هدف صنعت گاز کشور معرفی می‌کند، مقامی دیگر، صادرات را مانع توسعه و پیشرفت گازرسانی در داخل می‌شمارد.

واقعیت این است که هر سه گروه در جای خود استدلال‌های قابل قبولی را مطرح می‌کنند. اما پذیرفتن یکی لزوماً به معنای رد دیگری نیست. کشور هم نیازمند مصرف داخلی گاز است و هم صادرات آن. در کنار این دو، تزریق گاز به مبادین نفتی هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سه هدف در عرض یکدیگر بوده و باید به موازات پیگیری شود. ذخایر غنی گاز کشور نیز فرصتی استثنایی را فراهم می‌کند تا بتوان همزمان هر سه هدف را پیگیری نمود.

بر اساس آمار منتشره، نسبت ذخیره به تولید گاز در ایران، بیش از ۱۰۰ سال است، که از این حیث کشور ما پس از قطر در رتبه دوم قرار می‌گیرد. آمار همچنان نشان می‌دهد که ایران به لحاظ نرخ ذخایر به تولید در موقعیت بسیار خوبی قرار دارد و کشور روسیه با در اختیار داشتن ۴۶/۴ تریلیون مترمکعب به عنوان بزرگترین دارنده منابع

طبیعی در میان حامل‌های انرژی بیشترین میزان رشد مصرف را به خود اختصاص داده است. بر اساس پیش‌بینی مرکز اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) مصرف گاز طبیعی جهان طی سالهای آینده با رشد معادل ۲/۸ درصد، در سال ۲۰۲۵ به ۱۷۶ تریلیون مترمکعب خواهد رسید و سهم آن در سبد انرژی مصرفی جهان از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت. استفاده از این بازار گسترده مستلزم حضور جدی در صحنه صادرات گاز طبیعی است. نباید فراموش کرد که مزایای صادرات گاز صرفاً به منابع اقتصادی و درآمد‌های ارزی آن محدود نمی‌شود. بدیهی است که در صورت وابستگی کشورهای مصرف‌کننده به گاز طبیعی ایران، روابط سیاسی دوجانبه نیز متحول شده و تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران شکل نخواهد گرفت، به ویژه آن که بزرگترین بازار بالقوه صادراتی ایران بازار گاز اروپاست که نیاز وارداتی آن تا سال ۲۰۲۰ به ۶۰ درصد خواهد رسید. باید بپذیریم که اگر مدعی برقراری تعامل فعال با اقتصاد جهانی هستیم، یکی از ملزومات آن گره خوردن در حلقه بازارهای جهانی گاز طبیعی است. رسیدن به اهداف مذکور تنها به کمک سرمایه‌گذاری‌های کلان در منابع گازی کشور میسر خواهد بود. سرمایه‌گذاری‌هایی که علاوه بر تامین مصرف داخلی و نیاز چاه‌های نفت به تزریق گاز، صادرات گاز کشور را نیز رونق بخشیده و ایران را به جایگاهی که شایسته آن است، برساند.